

## آداب سارویان

باورهای عامیانه از نظر ذات و دلالت چندان تفاوتی با ضرب‌المثل‌ها ندارند . یعنی در آنها عادت و اخلاق جامعه و خلیقات یک ملت منعکس می‌گردد . این که تا چه حد داشتن این گونه اعتقادات در زندگی مردم اثر می‌گذاشته چندان مهم نیست بلکه این مهم است که تقریباً هیچ جمعیتی بدون آنها نزیسته است . بنا بر این اعتقاد به آنها یک جنبه - یعنی جنبه فرهنگی - زندگی ملتی را نشان میدهد . انسان بدون مشغولیت ذهنی نمیتواند زیست و هر دوره فرهنگی نوع خاصی مشغولیت را به وجود می‌آورد و راز پدید آمدن و زوال این اعتقادات همین است و از همین جا است که باید این اعتقادات را یادداشت و حفظ کرد تا در مطالعه جوانب مختلف فرهنگی ملت‌ها و جمعیت‌ها مورد بررسی قرار گیرد .

بدیهی است این اعتقادات رنگ بومی و منطقه‌ای می‌گیرد و به همین دلیل تعداد " حکمت " هائی که با آب و باران و درخت مربوط می‌شود درمازندران بیشتر است تا مثلاً " در فارس . اما از آنجائی که همه مردم ایران در سرنوشت ملت سهیم بوده‌اند وجوه مشترک " حکمت " ها وجه مشترک زندگی همه مردم ایران است . روشن است که به دست آوردن این وجه مشترک موقوف به گردآوری کامل همه آداب تمام نواحی ایران است .

در اولین روز هائی که چشمم به چند دفتر مونوگرافی افتاد ، این آرزو در

دلم برخاست که روزی بتوانم من هم با جمع آوری آداب ، رسوم ، عقاید ، بازیها و سرگرمیهای مردم شهرم این سنتها را ثبت کنم از همان وقت از شنیدنیهها و دیدنیهای جالب و باارزش از نقطه نظر هدفم به یادداشت پرداختم . متأسفانه موقعی به این فکر افتادم که دیگر وقتی برای این کار نداشتم و ازساری بیرون رفتم و اکنون که بعد از یازده سال یادداشتهای خاک خورده ام را مرور می کنم احساس میکنم چقدر من و نسلی که دارند رشد می کنند با این مسائل بیگانه ایم . نسلی که این اعتقادات را داشت و به اکثر آنها عمل میکرد منقرض شد و دریغ است که از آخرین بازمانده های این نسل استفاده نشود .

تا آنجا که من اطلاع دارم این آرزوی من توسط دیگری نیز جامه عمل نپوشیده و برای من تنها کسب یک فرصت کافی و فارغ از هر دغدغه ماند تا بلکه بتوانم کارم را در شهرم تمام سازم . فعلاً " قسمتی از کارم را که بطور مستقل نیز قابل چاپ است به مجله شمایی سپارم تا اگر من قادر به پایان بردنش نبودم این مقدار توسط مجله شما حفظ شود .

در این مقاله من تنها از اعتقادات و باورهای مردم شهرساری صحبت میکنم که بی گمان کامل هم نیست ، سعی کردم که اعتقادات را با فهرستی موضوعی کنار هم بچینم و بعضی جاها نیز که این باورها به چند موضوع برمیخورد به هم رجوع بدهم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

باران .

رتال جامع علوم انسانی

روی کرسی ضرب نمی گیرند چون معتقدند که باران خواهد آمد .

کشته شدن قورباغه را دلیل آمدن باران میدانند .  
برای بند آمدن باران نام چهل کچل را می نویسند و به درختی آویزان می کنند .  
اگر بچه اول خانواده ای روز بارانی زمین بخورد ، معتقدند که باران بند خواهد آمد .  
در سالهای اخیر زمین خوردن هر کسی را در روز بارانی دلیل بند آمدن باران میدانند .

بیماری .

بی روسری به توالت رفتن عقل را کم می کند .

با جوراب خوابیدن عقل را معیوب می سازد .

آب دهان ریختن به سرو صورت کسی موجب پدید آمدن زگیل در خود شخص می گردد .

توبه . به شوربختی و بد یمنی رجوع شود .

توبه شکستن .

اصولا اگر بخواهند توبه‌ای را بشکنند ، مثلا سرکه بیندازند یا ترشی و

یا مربای خاصی درست کنند ، یا حیوانی را در خانه نگهدارند یا گیاهی را در

خانه بکارند که سابق بر این در آن خانواده بدیمن بوده است ، آن را توسط عروسی

که از خانواده خودشان نیست ، انجام میدهند . به این کار توبه شکستن میگویند .

البته این مورد بسیار کم پیش می‌آید و تا زگیلها خود را چنین راضی کرده‌اند .

جن و همزاد .

شب چهارشنبه آب بستن ( آب به خانه آوردن ) نامیمون است ، زیرا جن

به خانه راه پیدا میکند .

شب چهارشنبه به حمام نمیروند ، زیرا همزادشان آزارشان میکند .

بچه کوچک نباید در آینه نگاه کند زیرا چشمش به همزادش می افتد .

آب چلوی گرم و به طور کلی آب گرم را وقتی به زمین می ریزند بسم الله میگویند

والا ممکن است باعث مرگ بچه همزادشان شود و آنگاه از طرف همزاد آزار ببینند .

گاهواره خالی بچه را تکان نمی دهند ، زیرا معتقدند که بچه همزاد لج میکند و بچه

را مریض میسازد و ممکن است که بچه به دل درد مبتلا گردد .

( به قسمت سحر و جادو و عروسی و روزهای نیز مراجعه شود . )

سوت زدن ، شیطان را حاضر می سازد .

## چشم زخم .

گذاشتن پوست تخم مرغ بر روی گلهای خانه ، اهالی خانه را از چشم زخم مردم درامان میدارد . گاهی ممکن است شخص مبتلا به مرضی گردد و درمانش به تعویق بیفتد یا محتاج به مرور زمان باشد . معتقدند که چنین شخصی مورد چشم زخم قرار گرفته است به این سبب تخم مرغ می شکنند تا شخصی را که به بیمار چشم زخم رسانده ، بشناسند . ابتدا یک سکه روی تخم مرغ قرار میدهند و میگویند اسپند و اسپند دانه ، اسپند سی و سه دانه شنبهزا ، یک شنبهزا ، دو شنبهزا ، سه شنبهزا ، ... . جمعه زا ، سپس چهارهمسایه چهار طرف و کسانی را که در چندروز اوائل بیماری ، بیمار را دیده اند نام میبرند . در ضمن این اعمال با دست به روی سکه فشار میآورند و در حین ادای نام یکی از این افراد تخم مرغ می شکنند به این ترتیب شخص مورد نظر را میجویند . آنگاه ته کفشش را شسته ، آبش را به خورد بیمار میدهند تا علاج یابد . گاه ممکن است حتی قرعه به نام پدر یا مادر و یا نزدیکان بیمار بیفتد . معمولاً " مادرها خیلی میترسند که بچه شان را به خاطر زیاد دوست داشتن نظر بزنند و چشم زخم به او برسانند و به این علت سعی میکنند در مقابل کارهای دوست داشتنی بچه شان بی تفاوت باشند تا مبادا به طفل آسیبی برسد .

## حیوانات .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
کلاغ خوش خنبر است .

جغد را نامیوم میدانند . (به قسمت مرغ از جوغ شود . )  
مار خانگی را بوم کیوانی ( گدبانوی بام ) می گویند زیرا معتقدند که بین دو سقف هر خانه ای ماری وجود دارد . ( خانه های شمالی دارای دو سقف است یکی افقی و یکی مایل به دو طرف ) زنان فتنه گر را هم کیوانی مینامند . کشتن مار خانگی بدیمن است .

## خوش یمنی .

پریدن پلک چشم نشانه رسیدن خبر خوش است . (آمدن مسافریا مژده کاری که منتظر انجامش هستند) .

اگر غذای شخصی به نایش بپرد ، برایش سوقات می رسد .  
گاهی لکه سفیدی بر روی ناخن می نشیند . این علامت خریدن چیز نوودار شدن است .  
بچه ای که دارای دندانهای با فاصله است ، خوش یمن و پر روزی می دانند .  
اگر خبر خوش را بشنوند یا صفت خوبی به آنها داده شود ، ناحیه بین شست و سبابه را به طوریکه کف دست به طرف خودشان باشد به دندان می گزند .  
(یعنی از ما باشد)

اگر کسی چهل روز بعد از نماز صبح در خانه اش راجارو کند . در روز چهارم حضرت خضر را خواهد دید و آنوقت هر چیز را که بخواهد آن حضرت بر می آورد . (خود من زنده ای فراوانی را می شناسم که داستانهای زیادی از این دیدارها نقل میکنند) .

خواب و تعبیر آن .

خواب را باید برای آب بگویند . برای این که خوش یمن شود .  
آب در خواب دیدن نشانه روشنایی و تسریع کار است .  
خون علامت باطل بودن خواب است و دیگر نباید به دنبال تعبیر آن بود .

مار علامت مال و ثروت است .  
گاو علامت دشمنی و خصومت است .  
زایمان نشانه فارغ شدن از غم است .  
افتادن دندان نشانه مرگ است .

اگر زنی در خواب ببیند که گوشواره هائی به او دادند ، حامله میشود و دختری به دنیا می آورد ، ولی اگر انگشتر به او بدهند پسر میزاید .  
اگر سیدی را به خواب ببیند خواب را عزیز میدارند و به انتظار تعبیرش می نشینند .

دزدی .

از تماس قسمت تحتانی جارو باتن خودداری می کنند ، زیرا معتقدند که پس از این برخورد شخص مرتکب دزدی میشود . بعد از این اتفاق آب دهان بر روی جارو می اندازند .  
دشمنی و خصومت

بازماندن دهان قیچی نشانه باز شدن دهان دشمن است .  
هیچ گاه قیچی و تخم مرغ را به دست انسان نمیدهند ، زیرا این عمل باعث خصومت میشود .  
از گره زدن انتهای نخ سوزن دیگری خودداری میکنند ، چون تولید دشمنی میکند .

دعا .

هنگام بیرون رفتن از خانه دعا میخوانند و بسم الله میگویند . معمولاً " مادران به فرزندان خود هنگام بیرون رفتن از خانه سفارش می کنند که مهرهاکن (Mahr Hakan) یعنی دعاکن .

دعوا .

به هم خوردن دو ناخن شست دختر بزرگ خانه تولید دعوا میکند .  
به هم خوردن ناخن های شست با هم تولید دعوا میکند .  
پراکنده نمودن ناخن و لگد کردن آن تولید دعوا می کند .  
هنگامی که پای کسی به پاشنه پای دیگری میخورد ، فوراً " برمی گردند و به هم دست میدهند ، زیرا در غیر این صورت بین آنها دشمنی پیدا می شود .

روزها .

روز سه شنبه لباس نو نمیپوشند ، زیرا معتقدند یا دزدیده میشود یا میسوزد .  
ناخن گرفتن جز در روزهای پنجشنبه و جمعه جایز نیست .

مهر به معنی دعا همان کلمه فارسی میانه مهر و اوستای منتر است ( Mantra )

روزهای شنبه و دو شنبه ناخن نمیگیرند ، زیرا باعث قطع نسل میگردد .  
 در روز چهارشنبه اجازه نمیدهند کسی از خانه آنها آب ببرد . ( در خانه کسانی که جوی آب  
 یا چاه قرار دارد )  
 اگر بچه ای مرتب مریض شود نامش را عوض میکنند تا بدین وسیله بدیمنی از بچه دور شود .  
 شب چهارشنبه زیر درخت نمی روند زیرا همزادشان را می بینند .  
 روز جمعه لباس نمی شویند و اگر ناچار شوند ، حتما " یک تکه لباس سیدی را با لباسهای خود  
 می شویند که بدیمنی را از بین ببرد .  
 شب چهارشنبه از صحرا و خرابه عبور نمی کنند زیرا باعث بی بختی میشود . ( ۱ )  
 در شب اول ماه بادیدن ماه به کسی نگاه نمی کنند ، اکثرا " به آب می نگرند یا به درخت سبز و  
 یا به خود می نگرند ، بعضی به کسی که خوشبختش می پندارند ، می نگرند .  
 اگر در روز اول ماه چیزی در خانه ای بشکند آن را شوم دانسته معتقدند که تا آخر ماه  
 زندگیشان می شکند .  
 روز اول ماه کسی که عزادار است یا گرفتاری دارد نباید به خانه کسی دیگر برود  
 زیرا با این کار بدبختی را به خانه آنها می برد .  
 روز اول ماه آتش به کسی نمی دهند ، زیرا خوش یمن نیست .  
 زایمان .  
 زن زائوراتا ده روز تنهائی گذارند ، بعضی هاتا چهل روز این کار را می کنند .  
 با طلا به اتاق نوزاد نمی روند ، زیرا باعث زرد شدن رنگ نوزاد می گردد .  
 همراه بردن کلید به اتاق نوزاد باعث قفل شدن دندانهای نوزاد میگردد .  
 اگر زنی مدتها بچه دار نشود یا بچهایش بمیرد و اتفاقا " یک یا چند بچهای سالم  
 بمانند ، لباسهای بچهها را بیرون نمی دهند و به کسی نمی بخشند .

---

بی بختی . در مورد هرکسی به طرز خاصی اتفاق می افتاد ، دخترشوهر نمی کند زن  
 یا مرد ممکن است مصیبتی ببینند ، یا بچه دار نشوند و یا کسی را از دست بدهند .

به چشم نوزاد سرمه نمی‌کشند زیرا معتقدند که در بزرگی کارش به زندان می‌کشد .  
زن حامله هر چیزی را که هوس کرد باید بخورد ، زیرا ممکن است دهان بچه باز  
بماند و یا بچه‌اش را سقط کند .

زن باید در تمام طول بارداری سعی کند هر چه را می‌خورد با اجازه صاحبش باشد  
و گرنه بچه‌اش در بزرگی دزد میشود .

زن حامله اگر قورباغه بخورد چشمهای فرزندش به رنگ آبی در می‌آید .  
با خوردن سیب و انار رنگ پوست بچه سفید میشود .

قبل از حامله شدن باید غذاهای گرم خورد تا نوزاد پسر گردد .

اگر نوزاد پسر باشد مادر در طول مدت شیردادن از خوردن نان خود داری میکند  
زیرا معتقدند که طبع پسر گرم است در نتیجه مادر برنج می‌خورد ولی اگر نوزاد  
دختر بود چون طبع دختر سرد است مادر نان بخصوص نان گندم ، می‌خورد (جوسرد است)  
اگر بچه‌ای انگشت شست پایش را در دهانش بگذارد مادرش به زودی بچه دیگری  
خواهد آورد .

لباس نوزاد را نباید شب هنگام در هوای آزاد بگذارند و ستارگان نباید لباس نوزاد  
را ببینند زیرا بچه به مرض شوسوتی (šū suti) دچار میشود و برای درمانش  
باید شب چهارشنبه چادر سر کرد و به سر جوی رفت و ناگهان بدون آنکه ستارگان  
آسمان متوجه شوند یک مشت گل جوی را گرفته ، در زیر چادر پنهان نمایند و به  
تن بچه بمالند .

اگر بچه در سینی بنشیند یکی از نزدیکانش حامله خواهد شد .

سحر .

دعا نویسی از قدیم مانند سایر نقاط در این منطقه معمول بوده است و  
هنوز هم کم و بیش مرسوم است . حتی بعضی از افراد تحصیل کرده نیز دست به  
دعا گرفتن می‌زنند . این روزها بیشتر در خانه مردهای چند زنه رایج است . هم اکنون  
مردم ساری بیشتر به دعا نویسه‌های بابلی متوسل میشوند .



هرگاه عروسی از چشم شوهرش بیفتد ، فوراً " نزد دعا نویس (دعاگر) میرود و از او چاره میجوید . دعانویس پس از گرفتن مقداری پول به عروس دستور میدهد بالشی راکه بر روی آن میخوابد ، بشکافداگر در آن استخوان یا تکه ای نخ به رنگهای مختلف ببیند ، آنها طلسم و جادو هستند که از طرف خانواده شوهر گذاشته شده و باید آنها را نزد دعا نویس ببرد تا دعای دفع طلسم بدهد . (آنچه مسلم است در داخل پرهای یک بالش مقداری نخرنگی یا قطعه بسیار کوچکی از استخوان مرغ ممکن است وجود داشته باشد . ) عروس بعد از پیدا کردن ، آنها را پیش دعا نویس میبرد و با دادن چند برابر پول دفعه قبل ، دعا نویس به او باطل السحر میدهد که عبارت است از آبی که بر آن دعا میخوانند . عروس آن آب را در خانه در غذای شوهر و خانواده او و گوشه و کنار خانه میریزد تا بلکه عزیز شوهر گردد .

برای دختری که به کوچه رفتن زیاد علاقمند باشد ، دعا میگیرند . اگر دختری حاضر به ازدواج با شخصی که از طرف خانواده اش انتخاب شده ، نباشد و شخص دیگری را گزیده باشد ، برایش دعا میگیرند تا بنا به میل خانواده اش ازدواج کند . ( البته برای والدین امکان با زور انجام دادن این عروسی هست منتهی از ترس فرار دختر و از بین رفتن آبرویشان به دعا متوسل میشوند و اکثراً "عروسی با زور انجام میشود )

گاه خانواده ای برای پسرشان از دختری خواستگاری میکنند که خانواده دختر به این وصلت راضی نمیشوند ، خود دختر هم بی تفاوت است . خانواده داماد توسط کلفت خانه عروس یا دلاک آنها به دختر دعا میخورانند تا علیه والدینش عصیان کند . هنگامی که بچه ای شب می ترسد و نمی خوابد یا متوالیاً از خواب برمیخیزد و می گیرد ، معتقدند که مورد اذیت همزادش قرار گرفته ، او را پیش دعا نویس که اکثراً " زن است میبرند . زن پس از خواندن دعائی دست را به جلوی دماغ بچه میبرد و به پشت بچه دست محکمی میزند و بچه دچار سرفه میشود . آنگاه تکه استخوانی از دماغ بچه می افتد که معتقدند همزادش به خوردش داده است . حتی برای بچه های پر گریه و بد اخلاق نیز دعا می گیرند .

شور بختی و بد یمنی .

اگر هنگام حفظ کردن دعا یا مطلبی در حالی که کتاب باز است ، کار را رها سازند و به دنبال کار دیگری روند ، هرگز آن مطلب در ذهنشان نخواهد ماند . پشت و رو بودن چادر نشانه رفتن به خواستگاری است ، اما امکان دارد که این اتفاق برای صاحب چادر ناگوار باشد و هووسرش بیاید .

سفره خانه را به کسی نمی بخشند ، زیرا بدیمنی می آورد .

سفره خانه را پس از این که کهنه شد برای کار دیگری به کار نمی برند .

بچه‌ای را که ابتدا دندان بالا یش در بیاید بدیمن میدانند .

اگر بچه‌ای در بدو تولد دارای دندان باشد ، بدیمن است .

موی بریده را از دسترس نا محرم دور میدارند .

اگر شب جمعه عروسی را به خانه شوهر میبرند ، مادر شوهر در خانه نمی ماند ، زیرا موجب مرگش میشود .

پس از شنیدن یا گفتن موضوعی که مخالف پسند خود یا نزدیکانشان باشد ، آب دهان می اندازند و ناحیه بین انگشت شست و سبابه را به طوری که کف دست به طرف خارج نمایان باشد به دندان می‌کزند تا بلا را از خود و خویشان خود دور سازند .

وقتی برای گفتن تسلیت به دیدن کسی میروند ، در بازگشت با همان لباس به خانه شخص دیگری نمی‌روند زیرا با این کار غم خانه عزا را به خانه جدید میبرند .

اگر خواب عروسی ببینند منتظر واقعه ناگوار می‌شوند .

اولین باری که بچه را لای پتو یا در گاهواره می‌گذارند ، هنگامی که میخواهند تکان دهند ، ابتدا چند باری برای همزاد ، بچه و نوه و نبیره اش و شیطان تکان میدهند (یعنی این نیت را میکنند) ، تا بدین وسیله بلا را از بچه دور سازند .

دخترها نباید در آینه سفره عقد به خود بنگرند ، زیرا بختشان بسته میشود .

دیگی که پشتش سیاه است نباید اول صبح سر راه مرد خانه قرار گیرد ، زیرا آن روز بر مرد بدیمن می‌گردد ، همچنین صبح زود که مرد از خانه خارج می‌گردد نباید چشمش به زن و خاکروبه بیفتد چون آن روزش بدیمن می‌گردد .

زانو به بغل گرفتن شوم است و بدیمنی می آورد .

در خانه دیگری نباید روی دست را ( کف دست به طرف بیرون ) به صدا درآورند زیرا با این کار غم خویش را در آن خانه می ریزند .

با مهر شکسته نماز نمی خوانند زیرا باعث شکست کارشان میگردد .

صبح ، اول در آینه به خود مینگرند .

اگر کسی گرفتار چشم زخم کسی گشت باید کمی از گل کفش کسی راکه به او چشم زده است ، بخورد . البته این عمل باید بدون اطلاع هر دو طرف باشد و اصولاً " در

این موارد بزرگترها واسطه می شوند و دست به چنین کاری می زنند .

ناخن دست و پا را با کمی فاصله میگیرند . باهم گرفتن آنها نامیمون است .

اگر بر اثر کاشتن نباتی در خانه ، ریختن سرکه ، درست کردن نوعی ترشی ، مربا

یا آوردن نوعی حیوان اهلی به خانه ای ناراحتی و مرضی در آن سال به آن خانه

راه پیدا کند آن کار را بدیمن میدانند و شاید نسلها دیگر آن کار تکرار نشود . ( این

پرهیزرا توبه می شمارند )

شانه سر خود را به کسی نمی دهند .

از سنگ پای دیگری استفاده نمی کنند . ( برای این سه مورد دلیلی جز بدیمنی نیاوردند )

در شب به آینه نگریستن بدیمنی می آورد .

پرو، نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

عروسی .

در اتاق عقد اجازه نمی دهند هر کسی حضور داشته باشد ، بخصوص زنی که شوهر

یا بچه اش مرده باشد یا این که طلاق گرفته یا دوباره ازدواج کرده باشد .

عروس تا چهل روز نباید تنها به جاهای تاریک برود ، زیرا همزادش ممکن است

بر او غلبه کند .

عروس در چهل روز اول همیشه قرآن کوچکی به همراه دارد .

عروسی که از عقدش هنوز چهل روز نگذشته است ، نباید سر عقد عروس دیگری برود

زیرا باعث افتادن چهله و بچه دار نشدن یکی یا هر دوی آنها می گردد .

اگر دختری در شب شنبه لباسهایش را پشت و رو بپوشد و کفشش را بالای سرش قرار دهد و نماز حاجت بخواند ، بختش را شب در خواب خواهد دید . ( یعنی مردی را که در آینده همسرش میشود ، می بیند )

بچه اگر از عروسی صحبت کند عروسی پیش می آید و به فال نیکش می گیرند . اگر دختری پسر غایب یا قیامانده در ته دیگی را بخورد ، میگویند در عروسیشان باران خواهد آمد و برای جلوگیری از باران ، عروس و یاداماد ته دیگ را در روز عروسی می بوسند .

اگر قند سر عقد را دختران بسایند ، خوشبختی عروس حتمی است . سفره عقد را بر سر دختران می تکانند تا بختشان باز شود . دختری را که شب عروسی از خانه پدر می برند ، درجهیزش پوست فندق که محتوی جیوه است ، قرار میدهند تا مهر عروس همچون چرخش جیوه در داخل فندق تا ابد در دل شوهر بچرخد .

به صدا در آوردن انگشتهای دست و پا تولید فقر می کند . با سفره دست و صورت پاک نمی کنند زیرا معتقدند که باعث فقر میشود .

مال و ثروت .

خارش کردن کف دست نشانه به دست آمدن پول و ثروت است .

رتال جامع علوم انسانی

مرگ .

سروته قرار دادن جارو بدیمن است و باعث مرگ یکی از اهالی خانه میگردد .

مرد زن دار نباید از میان دو زن عبور کند . زیرا موجب مرگ زن خودش میشود .

اگر کسی به سر کسی بزند ، باید طرف جواب او را بدهد و گرنه والدینش خواهند مرد . گلبازی بچه موجب مرگ والدینش میشود .

ناخن گرفتن در شب موجب مرگ والدین شخص میگردد .

مرغ اگر در روز دو شنبه آواز سر دهد ، نشانه مرگ و نابودی است ، ( نیز رجوع

شود به حیوانات ) .

وارونه شدن استکان نشانه سر نگون شدن خانواده است .

### مسافرت و مهمان

روز شنبه لباس شستن مرد خانه را حاجی می‌کند .

قرار گرفتن کفشها روی هم نشانه مسافرت رفتن است .

قارقار کردن کلاغ نشانه آمدن میهمان و بخصوص مسافر است

خارش کردن دماغ نشانه دعوت به عروسی است . خارش کردن کف پا نشانه آمدن مسافر است .

اگر بچه به اصطلاح دروازه باز کند ( پاهارا باز بگذارد و از زیر دویا نگاه کند ) مهمان یا

مسافر از راه می‌رسد .

بچه اگر جارو به دست گیرد و جارو بکند ، مهمان می‌رسد .

اگر استکان و نعلبکی ناگهان و به شدت بهم برخورد به طوری که صدای خاصی از

آن به گوش برسد مهمان از راه خواهد رسید .

اگر آبی را که بر روی زمین می‌ریزند صدائی شبیه کف زدن انسان بدهد ، مهمان

خواهد رسید .

### یادگاری ، جدائی ، غریبیت . گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دختری که هنگام خیاطی نخ بلند به سوزنش می‌کند به غریبی می‌رود .

دستمال یادگاری دادن باعث جدائی میشود .